

تأثیر شاخص‌های فضائی بر فرهنگ جرم‌زا در محلات مرفه

و غیرمرفه شهر بابلسر

رضا لحمیان^۱

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۰۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۱۱

چکیده

احساس امنیت در فضاهای شهری یکی از شاخص‌های کیفیت فضا محسوب می‌شود. با گسترش شهرنشینی و افزایش رفتارهای ناهنجار شهری به ویژه جرائم، این موضوع اهمیت زیادی یافته است. هدف از انجام این بررسی شناخت تأثیرات افتراقات فضایی بر روی شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر بابلسر می‌باشد. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی و از لحاظ هدف کاربردی است. به منظور مطالعه و شناخت وضعیت ساختارهای کالبدی محیطی محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر بابلسر از روش میدانی بهره گرفته شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه، فیش‌برداری و پرسشنامه می‌باشد. نتایج نشان‌دهنده این بود که در محله‌های مرفه، همه مؤلفه‌های معیار افتراقات فضایی، بالاتر از حد متوسط ($Mean = 3$) ولی در محله‌های غیرمرفه همه مؤلفه‌ها پایین‌تر از حد متوسط قرار دارند و همچنین بین مؤلفه‌های معیار افتراقات فضایی و شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا (به جز مؤلفه میزان تشخیص) در دو نوع محله رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: فضای شهری، شاخص‌های فضایی، فرهنگ جرم‌زا، شهر بابلسر

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

با گسترش شهرنشینی و نیاز به احساس امنیت در فضاها و مکان‌های شهری نیازمند درک و کشف عوامل تأثیرگذار در این مقوله می‌باشیم. حال ایجاد ناهماهنگی میان فعالیت‌ها، جمعیت و فضا باعث ایجاد ناامنی شهری و جرائم می‌گردد. «بنابراین شناخت فضاها و عوامل مؤثر در کاهش امنیت و برهم خوردن نظم شهری از نکات بسیار مهمی است که طراحان و برنامه‌ریزان شهری در مدیریت شهری باید به آنها توجه ویژه‌ای داشته باشند» (بیات، ۱۳۸۷: ۸۶). در این میان مهم‌ترین نظری‌های که مطرح شده است نظریه معروف به "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" است.

اهمیت و ضرورت این موضوع، کمک مؤثری به پیشگیری از جرم از طریق طراحی مناسب‌تر محیط‌های شهری همراه با امکان کنترل اجتماعی و نظارت غیررسمی شهر، شناسایی کانون‌های شکل‌دهنده فرهنگ جرم‌زا و کنترل بهتر این مکان‌ها و تغییر آنها به فضاهای مقاوم در برابر جرم نموده است.

در واقع از دهه ۱۹۶۰ به بعد، علاقه فزاینده‌ای نسبت به مطالعه نقش محیط در بزهکاری و در نقطه مقابل تأثیر شرایط محیطی در پیشگیری جرم شکل گرفت. "جین جاکویز" از جمله پیشروان این ایده بود وی در اثر معروف خود تحت عنوان "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا" که در سال ۱۹۶۱ انتشار یافت بحث مهم نوع طراحی شهرها و تأثیر آن در کاهش بزهکاری و همچنین مراقبت‌های طبیعی و معمولی مردم در پیشگیری از بزهکاری را مطرح نمود.

در سال ۱۹۶۹ "جفری" نخستین کسی بود که عبارت "پیشگیری از جرم و جنایت از طریق طراحی شهری" را به کار برد. او به برنامه‌ریزی شهری و طراحی ساختارهای شهری و واحدهای همسایگی به منظور کنترل و پیشگیری از جرم و جنایت تأکید داشت (Cozens, 2000: 10).

در سال ۱۹۷۳ در راستای اندیشه‌های پیشگیری جرم "اسکار نیومن" دیدگاه فضای مقاوم در برابر جرم (فضای قابل دفاع) را مطرح کرد. مطالعه نیومن پاسخی به میزان بالای جرائم در شهرهای آمریکا بود. به اعتقاد او فضاهای مقاوم در برابر جرم امکان مناسبی برای بازساخت محیط مسکونی شهرها فراهم می‌آورد (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۵). وقوع بیش از حد این جرائم در محلات شهری که خود تحت تأثیر مسائل درونی و بیرونی بسیاری قرار دارد، نه فقط با اصول مسلم نظام اجتماعی تعارض دارد، بلکه همراه خود ضایعات سنگین، سختی و رنج انسان‌ها، به هدر رفتن منابع اقتصادی، سرخوردگی شهروندان و وخامت کلی در کیفیت زندگی را در پی خواهد داشت (حاتمی‌نژاد و همکارانش، ۱۳۹۳: ۲۲۲). موفقیت شهرها به محله‌های موفق آن بستگی دارد؛ منطقه‌های فیزیکی که در آنها مردم زندگی خود را سازماندهی می‌کنند. محله‌ها سه جنبه به هم پیوسته دارند: خانه و محیط پیرامون آن، خدماتی مانند فروشگاه‌ها و مدرسه‌ها و محیط زیست. این سه جنبه می‌تواند یک حس صمیمیت و دوستی و امنیت را ایجاد کنند (بحرینی، ۱۳۷۱: ۲۴). اگر این رکن‌ها از هم گسیخته شوند، امنیت فرو می‌باشد و محله دچار بحران می‌شود (پاور^۱، ۲۰۰۰: ۴۹).

¹ Power

شهر بابلسر نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد چرا که محلات واقع در شهر از جمله محلات غیرمرفه و فقیرنشین آن دستخوش چنین نابهنجاری‌هایی قرار می‌گیرد و در پی آن جرائم شهری به وقوع می‌پیوندد. این مقاله سعی بر آن دارد که با شناسایی شاخص‌های فضایی، تأثیر این شاخص‌ها را بر جرائم شهری بسنجد، پس با این اوصاف می‌توان سؤال تحقیق را این گونه مطرح کرد که: آیا افتراقات فضایی تأثیری بر روی شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زاه در محله‌های مرفه و غیرمرفه شهری دارد؟

هدف از انجام این بررسی شناخت تأثیرات افتراقات فضایی بر روی شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زاه در محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر بابلسر می‌باشد.

مبانی نظری

از نظر جامعه‌شناسی، جرم یک نوع رفتار غیرعادی تلقی می‌شود که آن عمل، صور مشخص و قدرتمندی از وجدان جمعی را نادیده انگارد و درصد از میان بردن و یا تضعیف آن برآید. در جوامع بدوی و ایستا؛ یعنی جوامعی که در آنها قوانینی مکتوب و مدون وجود نداشت، جرم عبارت بود از تخلف و سرپیچی از آداب و رسوم و ضوابط اجتماعی و کسی که مرتکب جرم می‌شد و یا عمل خلافی انجام می‌داد، با تقبیح شدید اجتماعی مجازات و سرزنش می‌شد که این تقبیح و عکس‌العمل‌های اجتماعی، امروزه منشأ پیدایش، تغییر و تکامل قوانین جزائی امروزی است (مساواتی آذر، ۱۳۷۴: ۸). در این رابطه، مانهیم معتقد است که موضوع جرم از نظر جرم‌شناسان مفهوم گسترده‌تری دارد، زیرا اولاً جرم یا جنایت بیش از حد وسیع و گسترده است، به طوری که می‌تواند تغییر رفتار را از قتل بی‌نهایت فجیع تا تخلفات جزئی ترافیک جاده یا تخلفات مربوط به مواد غذایی و یا سوء استفاده از مخدرات شامل شود، ثانیاً هیچ توافق کلی وجود ندارد که چه چیزی جرم را از بی‌عدالتی اجتماعی یا شبه جرم‌ها متمایز و از هم جدا می‌کند (همان: ۴-۵).

از نظر روشه نباید مفهوم کنش اجتماعی پارسونز را با رفتار فردی یکی پنداشت. برعکس، او مفهوم کنش اجتماعی را به هر هستی فردی یا جمعی، که بتوان رفتاری از او ادراک کرد که بر مبنای معنای موجود در آن قابل تفسیر باشد، تعمیم می‌دهد. همچنین نباید از نظر دور داشت که از نظر پارسونز مفهوم کنش اجتماعی تنها در دیدگاه ذهنی کنشگر محدود نمی‌شود، بلکه پس از پی بردن به ذهنیت کنشگر، می‌توان کنش اجتماعی را بر مبنای دوگانگی «کنشگر - وضعیت»^۱، که در نظریه کنش پارسونز نقش اساسی دارد، تحلیل کرد. کنشگر پارسونز، موجودی در وضعیت است، زیرا کنش اش پیوسته درک معانی مجموعه نشانه‌هایی است که او در محیط می‌یابد و به آنها پاسخ می‌دهد (روشه، ۱۳۷۶: ۵۷). نمادها نیز در دستگاه مفهومی پارسونز نقشی ممتاز دارند، از نظر پارسونز کنش اجتماعی چون پرمعناست لاجرم در پوشش «نمادپردازی»^۲ است. از گذر نشانه‌ها و نمادهاست که کنشگر محیطش را می‌شناسد، حس می‌کند، آن را ارزیابی و در آن دخل و تصرف می‌کند. «کارکرد دیگر نمادپردازی در کنش اجتماعی، میانجی‌گری قواعد رفتار، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی است و ارزش‌ها، ماهیتی نمادی دارند. مثلاً از این لحاظ که، این نمادها هستند که رفتار کنشگران را انتقال پذیر می‌کنند. به برکت هنجارها و ارزش‌های مرجع است که کنش انسانی در نگاه کنشگران دیگر و نیز خود کنشگر در عمل، شفاف می‌شود، زیرا همه می‌توانند در آن معنایی، جهت و

¹ actor - situation

² symbolism

تداومی بیابند. این هنجارها و ارزش‌ها هستند که برای کنشگر هدف‌ها و وسایلی را عرضه می‌کنند که کنشگر از آنها به عنوان راهنما استفاده می‌کند و در عین حال به کنش‌اش هم در نگاه خودش و هم در نگاه کنشگران دیگر معنای خاصی می‌دهد» (همان: ۵۸).

معمولاً ابعاد کیفی سکونت در سطوح تحلیل شهری در ارتباط با کاربری زمین مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. در واقع بررسی توأمان کاربری مسکونی و نیز سایر کاربری‌ها از این رو اهمیت دارند که عامل شناخت نحوه توزیع خدمات و فعالیت‌های شهری و نیز کیفیت روابط (تأثیر و تأثر متقابل) آن‌ها می‌گردد و از این حیث می‌تواند به عنوان عامل مطلوب و یا نامطلوب و تأثرگذار شهری ارزیابی گردد که تأثیر آن هم بر شرایط اقتصادی و اجتماعی شهری و هم بر الگوهای رفتاری قابل توجه خواهد بود.

کیفیت عمومی سکونت، نقش بسیار قاطعی در بروز رفتارهای قاطعی در بروز رفتارهای اجتماعی مطلوب و یا آنومیک دارد. این موضوع از اینجا ناشی می‌شود که به طور اساسی تعریف مسکن، فراتر از تعریف آن صرفاً به عنوان یک سرپناه است و کیفیت آن نیز حائز اهمیت و توجه است.

چرا که، «تمام احتیاجات انسان او را و می‌دارد تا سکونت گزیند. از این رو سکونت را می‌توان بنیاد آسایش جسمی و روانی آدمی تلقی نمود» (امیر یاراحمدی، ۱۳۷۸: ۱۲). محیط مسکن که محل سکونت و یا به اصطلاح خانه است جزء محیط اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود. زیرا هر فردی فعالیت‌های زیستی اولیه خود را از خانه و یا محل سکونت (چادر، آلونک، زاغه و ...) آغاز و موجودیت خود را واقعیت می‌بخشد، تولد، رشد، استراحت، تهیه غذا، نگهداری و حفاظت از اشیاء و مواد مصرفی از اعمال اصلی است که در خانه انجام می‌گیرد. محل سکونت فضای محدودی است که افراد را در مقابل نامالایمات اقلیمی (سرما و گرما) و صدمات طبیعی (توفان، باران و ...) مصون نگاه می‌دارد. وضعیت و موقعیت محل سکونت به هر نحوی که باشد در تعادل روانی کودک مؤثر است. وضع مسکن، نمودار سطح زندگی اجتماعی و اقتصادی والدین می‌باشد.

به نظر اسکار نیومن برای خلق فضاهای قابل دفاع باید هر فضایی متولی داشته باشد و فضاهای خالی و بدون متولی، موقعیت ارتکاب جرائم را به وجود می‌آورد، وی سلسله‌مراتبی را برای فضاها معین می‌کند (حشمتی، ۱۳۸۲: ۴۴). اسکار نیومن معتقد است فضاهای تعریف نشده و غیرقابل دفاع احساس آزارسانی را به وجود می‌آورند و مشوق بروز جرائم هستند (بحرینی و همکاران، ۱۳۷۷: ۲۷-۲۲). ویلسون ثابت کرد، که خراب‌کاری در مناطقی که اجازه پیدایش فضای قابل دفاع را نمی‌داد، نسبت به دیگر مکان‌ها شایع‌تر بود (Rvzbnam and et al. 2000: 50). هم نیومن و هم کولمن طرفدار این عقیده بودند که نه فقط این بلوک‌های آپارتمانی مسکونی و مرتفع عموماً همراه با جرم و بزهکاری، فقر و شرایط مسکونی نامطلوب می‌باشند، بلکه همچنین دیده شده است که آن‌ها مناطق پشت صحنه خوبی برای روی آوردن به خلافکاری و سایر خشونت‌ها می‌باشند (Dickens, 1998: 217).

از طرفی دیگر بحث گیدنز در حوزه امنیت مسئله امنیت وجودی است، که به عنوان یکی از صورت‌های مهم احساس امنیت به معنای وسیع آن می‌باشد. این اصطلاح به اطمینانی راجع است که بیشتر آدمها به تداوم و تشخیص هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی مادی کنش در اطراف خود دارند احساس اعتمادپذیری اشخاص و چیزها، برای احساس امنیت وجودی اهمیت بنیادی دارد. امنیت وجودی با هستی در جهان سروکار دارد اما این امنیت نه

یک پدیده شناختی بلکه پدیده‌ای عاطفی است که در ناخود آگاه ریشه دارد. احساس این نوع امنیت، در نخستین روزهای زندگی به واسطه عادت و امور روزمره در فعالیت‌های انسان پدید می‌آید. سرچشمه چنین امنیت را باید در برخی تجربه‌های دوران کودکی پیدا کرد. منظور گیدنز این است که آدم‌های بهنجار در اوایل زندگی خود، یک مقدار اعتماد اساسی به خوردشان داده می‌شود که آسیب‌پذیری‌های وجودی را سرکوب یا کند می‌کند. به عبارت دیگر، آدم‌ها نوعی تلقیح عاطفی می‌شوند که آنها را در برابر دلهره‌های وجودی که همه انسان‌ها بالقوه در معرض آنها قرار دارند، محافظت می‌کند. عامل این تلقیح، شخصیتی است که مواظبت اساسی را در دوران کودکی به عهده دارد. که برای بیشتر این آدم‌ها این شخصیت همان مادر است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۱۲).

جرم و جرائم شهری

هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات یا اقدام‌های تأمینی در نظر گرفته شده است، جرم محسوب می‌شود (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی). دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی معتقد است: «هر عملی که در خور مجازات باشد، جرم است». یعنی هر فعل یا ترک فعلی که نظم و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد، «جرم» محسوب می‌شود (رحمت، ۱۳۸۱: ۴). از نظر حقوقی نیز «جرم عملی است که بر خلاف یکی از موارد قانون مجازات عمومی هر کشور باشد و مجرم کسی است که در زمان معینی عمل او بر خلاف قانون رسمی کشور باشد». جرم یا بزه هر عملی است که دارای دو شرط زیر باشد:

- رفتاری که بیش از حد قابل قبول، مخرب باشد.
- رفتاری که کنترل آن از طریق احکام غیررسمی به تنهایی دشوار باشد (سیرافراز و همکاران، ۱۳۸۸: ۴-۳).

نظم و انحراف اجتماعی

نظم اجتماع از نظر مفهومی به معنای حداکثر هم‌نویایی اعضای جامعه به هنجارها، ارزش‌ها، قوانین و کاربدهای مطلوب نهادهای اجتماعی می‌باشد. جامعه‌شناسان بر این باورند که بنیان نظم اجتماعی، رعایت قوانین اجتماعی است. قوانین اجتماعی، ابزار تنظیم رابطه فرد با جامعه است که زیست اجتماعی را امکان‌پذیر ساخته و محدودیت‌هایی را برای هوای نفسانی و فردیت افراطی ایجاد می‌کند (صانعی، ۱۳۷۲: ۷۸). در تخریب دیگر نظم اجتماعی به نظم رایجی اطلاق می‌شود که اطلاعات همگان را از یک نظم ارزشی جا افتاده و رایج به منظور ارجح داشتن طبقات و قشرهای ممتاز اولویت می‌بخشد. اساس این نظم بر این اندیشه استوار است که ثروت اساسی یک جامعه را صلح و آرامش تشکیل می‌دهد (ملازاده گنجی، ۱۳۹۲: ۲۱).

امنیت

امنیت به معنای «رهایی از خطر، تهدید آسیب، ترس یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش و اعتماد» است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۸۸). امنیت مجموعه شرایط و وضعیتی است که موجب ثبات و آرامش خاطر در جامعه می‌گردد و ترس و خوف از نظر عامه مردم رخت بر می‌بندد (بیات، ۱۳۸۷: ۲). به این ترتیب می‌توان گفت امنیت "به معنای فراغت از هر گونه تهدید و تعرض به حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی شهروندان است (کارگر، ۱۳۸۳: ۲).

احساس امنیت حالتی است که در آن ارضای احتیاجات و خواسته‌های فردی و اجتماعی افراد انجام و شخص در آن احساس ارزش، اطمینان خاطر و اعتماد به نفس نماید (شعاری نژاد، ۱۳۶۴: ۲۸).

پیشگیری از جرم و نظریه CPTED

پیشگیری در لغت به معنای عمل پیش گیر، دفع و جلوگیری، پیشگیری کردن به معنای دفع، جلوگیری کردن، مانع گشتن، منع کردن، به نگهداری برخاستن می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵۹۹۱). در جرم‌شناسی پیشگیری به معنای به کار بردن فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری است. اصطلاح پیشگیری از جرم از طریق بافت کالبدی و طراحی محیطی مناسب و کاربری مؤثر از فضا و محیط ساخته شده، که منجر به کاهش فرصت‌های مجرمانه، ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی می‌شود (فورچی، ۱۳۸۶: ۴).

پیشینه نظری

در مورد تأثیر محیط و فضاهای جغرافیایی بر روی جرائم با استفاده از روش‌های علمی برای اولین بار در نیمه اول قرن نوزدهم به وسیله کتله و گری مطالعاتی صورت گرفته است که در آن به رابطه بین شرایط اجتماعی و سکونتی افراد با میزان جرم پرداخته شده است. "کتله" فیزیکی‌دان و منجم بلژیکی به کمک اعداد و ارقام همبستگی و ارتباط محیط جغرافیایی و جرم را نشان داد. به اعتقاد وی جرائم ارتكابی در یک جامعه و نوسانات متناوب آن مانند یک تابع ریاضی وابسته به تغییرات شرایط اقتصادی و اجتماعی زمان و مکان است.

تحقیقات "کتله" مورد توجه بسیاری از اندیشمندان کشورهای مختلف جهان از جمله ایتالیا، فرانسه و آلمان قرار گرفت و همین امر موجب بروز جنبش‌های علمی جدید و از جمله ایجاد رشته جدیدی در زمینه آمار جنایی به نام "کتلتیسیم" شد. تأثیر و اهمیت مطالعات و بررسی‌های "کتله" در زمینه جغرافیای جرم به حدی بود که در برخی منابع "کتله" را پدر آمار جنایی و از جمله پایه گذاران مکتب جغرافیای جنایت معرفی نموده‌اند و گفته می‌شود تحقیقات او باعث شده است تا جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی تابع دو متغیر زمان و مکان شناخته شود (کی‌نیا، ۱۳۷۳: ۴۶۹).

اکاه (۲۰۰۰)، در شهر واشینگتون در مطالعه‌ای با عنوان ترس از جرم در بین جمعیت مهاجرین در فضای متروپلیتن واشینگتون به بررسی این موضوع پرداخته است که نتایج این مطالعه نیز نشان‌دهنده تأثیر گذاری فضاهای شهری بر روی امنیت شهروندان می‌باشد.

مایز (۲۰۰۱) در رساله دکتری در دانشگاه تگزاس با عنوان ساختارهای معین در ترس از جرائم به بررسی این موضوع پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان از تأثیر گذار بودن فضاهای شهری بر روی جرائم و احساس امنیت شهروندان دارد.

عامری سیاهویی و همکارش (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان «رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر میزان جرم در بندرعباس و نقش مدیران شهری و پلیس انتظامی در پیشگیری از آن» به این نتیجه رسیده‌اند که؛ مبارزه با جرم و کجروی‌های اجتماعی منوط به شناخت عوامل جرم‌زاست که می‌توان از بروز جرائم پیشگیری کرد یا حداقل از میزان آن کاست.

قلندریان و همکارانش (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «بررسی ملاحظات محیطی با رویکرد CPTED به منظور دستیابی به فضای شهری امن نمونه مورد بررسی خیابان فردوسی مشهد» به این نتیجه رسیده‌اند که: رعایت اصول CPTED می‌تواند احساس امنیت شهروندان را افزایش دهد و یکی از طرق افزایش رفاه اجتماعی باشد و در نتیجه پایه‌گذاری توسعه پایدار شهری گردد.

حاتمی نژاد و همکارانش (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «نگرشی بر جرم‌خیزی و زمینه‌های ارتکاب به جرم در محلات حاشیه‌نشین مورد پژوهش؛ محله شادقلی خان شهر قم» به این نتیجه رسیده‌اند که: منشأ بروز بسیاری از اعمال مجرمانه در این محل را باید در ساختارهای متناقض اجتماعی و اقتصادی و نابسامانی‌های حاصل از آنها جست‌وجو نمود. فقر فرهنگی، اجتماعی، بیکاری، ضعف اعتماد به نفس، کمبود خدمات زیربنایی، قانون‌گریزی و ... که در نهایت به ضعف شدید بنیان‌های اقتصادی افراد مورد بررسی در این محله منجر شده است، مهم‌ترین عوامل سوق این افراد به سمت اعمال مجرمانه، همچون: سرقت، درگیری و نزاع دسته‌جمعی، توزیع و پخش مواد مخدر، کلاهبرداری، رفتارهای ضد عفت و اخلاق عمومی و ... است که با اهدافی مانند برطرف نمودن مشکلات مالی خانواده انجام می‌شود که این مسأله به وضوح بیانگر تأثیر ضعف اقتصادی افراد در ارتکاب به جرم است.

داده‌ها و روش کار

برای تعیین محله‌های مرفه و غیرمرفه ۴۰ عدد پرسشنامه در تیر ماه ۹۵ بین کارشناسان شهرداری، استادان و دانشجویان دانشگاه مازندران و ساکنین شهر بابلسر توزیع گردید. میانگین امتیازی بر طبق امتیاز ۱ تا ۵ در دو جدول مجزا محله مرفه و غیرمرفه پنج رتبه‌ای برای تعیین محلات تعیین گردید در نتیجه دو محله نخست‌وزیری و شهرک دانشگاه به عنوان نماینده محلات مرفه و دو محله بی‌بی‌سرروزه و قائمیه (میخ کلا) به عنوان نماینده محلات غیرمرفه شهر بابلسر از میان ۲۲ محله موجود بابلسر، برای نمونه موردی این تحقیق انتخاب شده‌اند.

در این تحقیق برای برآورد حجم جامعه مورد مطالعه از فرمول کوچران استفاده شده است که در نتیجه حجم آماری، عدد ۲۷۰ را نشان داده است. سپس پرسشنامه تنظیم شده تحقیق بین ۲۷۰ نفر از ساکنین محله‌های مرفه (۱۱۰) و محله‌های غیرمرفه (۱۶۰) تقسیم و پس از جمع‌آوری، نتایج به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و ضریب آلفای کرونباخ آن محاسبه که برابر با ۰.۸۸۱ برآورد شده است، که کمیت این عدد نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه تلقی می‌گردد. در این پژوهش برای ارزیابی کیفیت مؤلفه‌ها و گویه‌های متعلق به هر یک از مؤلفه‌های سه‌گانه تحقیق ابتدا از تکنیک و آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است و در نهایت به بررسی همبستگی میان معیار کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زاه، مؤلفه‌ها و گویه‌ها از طریق آزمون پیرسون همراه با جدول و نمودار ارائه شده است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

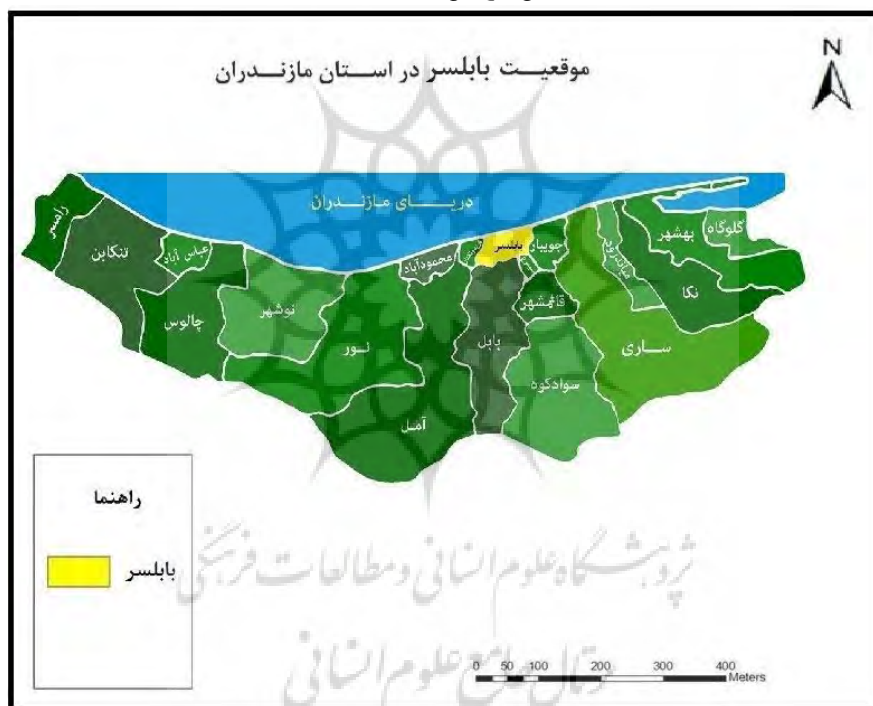
شهرستان بابلسر در مختصات جغرافیایی ۵۲ درجه و ۳۷ دقیقه و ۵۰ ثانیه الی ۵۲ درجه و ۴۰ دقیقه و ۵۰ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۴۰ دقیقه و ۱۵ ثانیه الی ۳۶ درجه و ۴۳ دقیقه عرض شمالی قرار دارد. این شهر در کرانه‌های جنوبی دریای خزر و حد انتهایی دلتای رودخانه بابلرود قرار دارد و ویژگی‌های جغرافیایی آن متأثر از این دو عامل

طبیعی یعنی دریای خزر و رودخانه بابلرود و شرایط زدایی جلگه ساحلی دریای خزر می‌باشد. حد شمالی بابلسر تا خط ساحل دریا ۲۷- متر و حد جنوبی آن ۱۵- متر ارتفاع دارد. بنابراین شیب عمومی گستره شهر از جنوب به شمال و کمتر از ۰.۵ درصد و یا ۵ در هزار می‌باشد. جمعیت شهر بابلسر در طی زمان همواره افزایش یافته است. با این تفاوت که شدت افزایش آن در سال‌های اخیر سیر نزولی را نشان می‌دهد. جدول شماره ۱ شمار و نرخ رشد جمعیت شهر بابلسر را در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۴۵ نشان می‌دهد.

جدول ۱- نرخ رشد جمعیت شهر بابلسر، ۱۳۹۰ - ۱۳۴۵

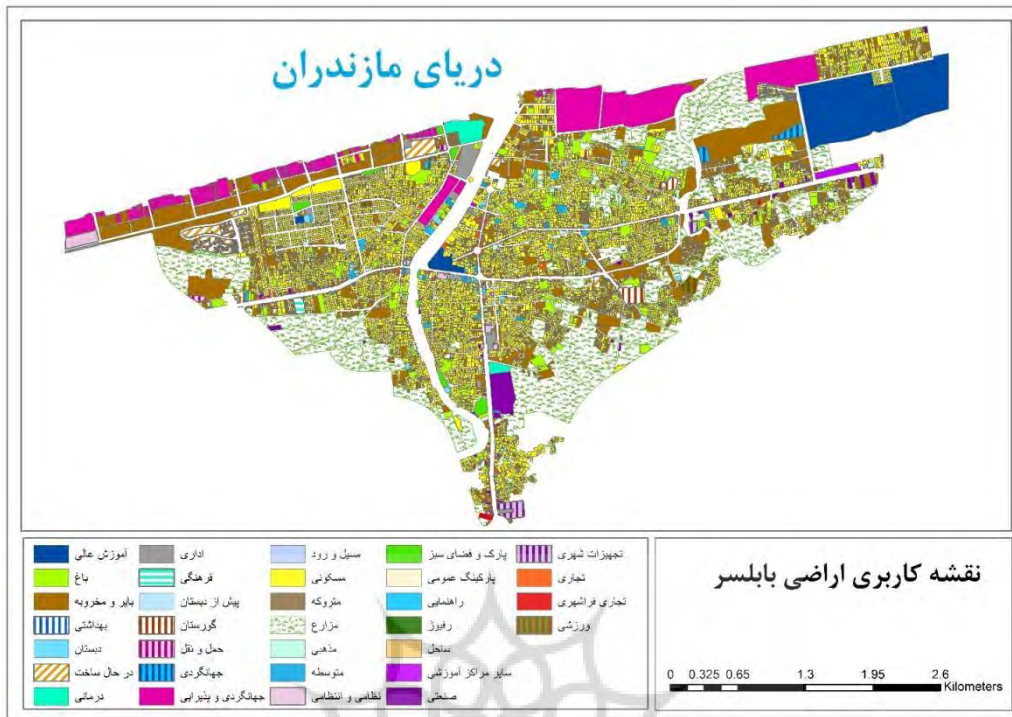
سال	شمار (نفر)	نرخ رشد (درصد)	بعد خانوار
1345	12016	1.87	-
1355	18810	1.56	-
1365	30200	1.60	-
1375	40630	1.34	4.42
1385	50032	1.23	3.56
1390	61984	0.04	3.3

منبع: طرح جامع بابلسر، ۱۳۹۵



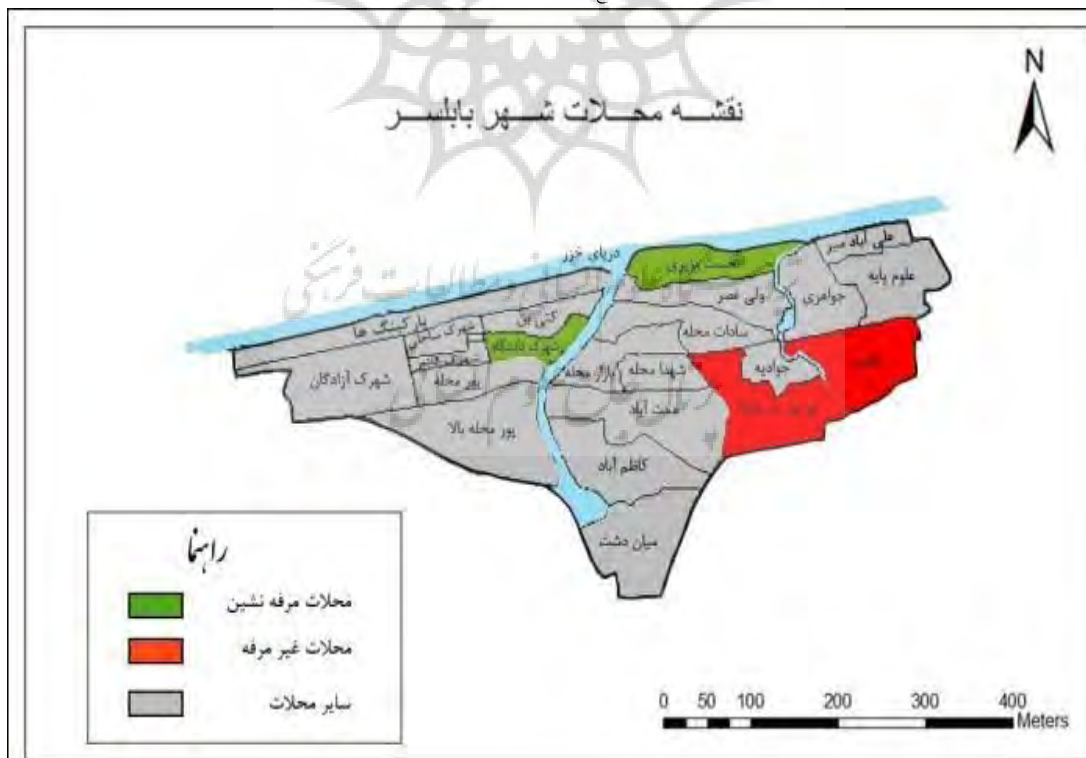
نقشه ۱- موقعیت شهر بابلسر در استان مازندران

منبع: نگارنده، ۱۳۹۵



نقشه ۲- کاربری اراضی شهری بابلسر

منبع: نگارنده، ۱۳۹۵



نقشه ۳- تعیین محلات در شهر بابلسر

منبع: نگارنده، ۱۳۹۵

جدول ۲- جمعیت و مشخصات در محلات مرفه و غیر مرفه در شهر بابلسر

نوع محلات	نام محله	جمعیت (نفر)	تراکم ناخالص جمعیتی (نفر در هکتار)	تراکم خالص	تراکم ساختمانی	خانوار
محلات مرفه	نخست وزیری	۴۹۹	۶.۱	۶۲.۶	۱۰.۷	۱۳۳
	شهرک دانشگاه	۱۴۱۵	۳۰۴.۷	۶۱.۷	۳۶.۸	۳۸۰
محلات غیر مرفه	بی بی سرروزه	۳۷۸۳	۲۶.۷	۱۲۵.۵	۱۵.۲	۱۰۲۰
	قائمیه (میخ کلا)	۲۲۲۰	۱۴.۵	۱۱۰.۱	۱۱.۷	۵۹۸

منبع: نگارنده، ۱۳۹۵

تعیین محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر بابلسر

شهر بابلسر دارای ۲۲ محله می‌باشد. برای تعیین محله‌های مرفه و غیرمرفه ۴۰ عدد پرسشنامه بین کارشناسان شهرداری، استادان و دانشجویان دانشگاه مازندران و ساکنین شهر بابلسر توزیع گردید؛ میانگین امتیازی بر طبق امتیاز ۱ تا ۵ در دو جدول مجزا محله مرفه و غیرمرفه پنج رتبه‌ای برای تعیین محلات تعیین گردید. در نتیجه دو محله نخست‌وزیری و شهرک دانشگاه به ترتیب با میانگین امتیازی (۳.۲۰)، (۲.۱۵) به عنوان نماینده محلات مرفه شهر بابلسر و دو محله بی‌بی‌سرروزه و قائمیه (میخ کلا) به ترتیب با میانگین امتیازی (۳.۲۵)، (۲.۱۵) به عنوان نماینده محلات غیرمرفه شهر از میان ۲۲ محله موجود بابلسر برای نمونه موردی این تحقیق انتخاب شده‌اند، که در نقشه‌های شماره (۲) مشخص شده‌اند.

یافته‌های تحقیق

معیارهایی که برای بررسی میزان جرم در دو محله مرفه و غیرمرفه شهرستان بابلسر در نظر گرفته شده است شامل: کیفیت سکونت، غنای بصری و میزان تشخیص (نماد) می‌باشد. تحلیل معیارهای نام‌برده در زیر آورده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل، سرپرست خانوارهای ساکن در سطح دو محله نخست‌وزیری و شهرک دانشگاه به عنوان نماینده محلات مرفه (۱۱۰) و دو محله بی‌بی‌سرروزه و قائمیه (میخ کلا) به عنوان نماینده محلات غیرمرفه (۱۶۰) به نمایندگی کل محلات شهر بوده است. سؤالات و گزاره‌های پرسشنامه با توجه به تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها و صاحب‌نظران مربوطه طراحی گردیده و از روایی مطلوبی برخوردار می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه نیز برابر با ۸۸۱.۰ برآورد شده است، که کمیت این عدد نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه تلقی می‌گردد.

برای تعیین معیار افتراقات فضایی شهر بابلسر، سه مؤلفه به کار گرفته شد که عبارتند از: غنای بصری، کیفیت سکونت، میزان تشخیص (نماد). برای آزمون این فرضیه در شهر بابلسر ابتدا از طریق آزمون T-test، وضعیت مطلوب مؤلفه‌ها شناسایی می‌شوند.

- کیفیت سکونت

وجود ساختمان‌های مسکونی متروک و تخریبی، وجود زمین و مکان‌های متروک و وجود نیمکت برای اوقات فراغت. بزرگسالان در محله گویه‌های تشکیل‌دهنده معیار کیفیت سکونت می‌باشند. در این بین در محله مرفه وجود ساختمان‌های مسکونی متروک و تخریبی با (۴.۱۵) و وجود زمین و مکان‌های متروک با (۴.۰۶) بالاتر از مقدار

متوسط و وجود نیمکت برای اوقات فراغت بزرگسالان با (۲.۱۵) پایین‌تر از آن می‌باشد، در حالی که هر سه گویه مذکور مؤلفه کیفیت سکونت در محله غیرمرغه پایین‌تر از حد متوسط می‌باشند.

جدول ۳- مشخصات آماری گویه‌های مربوط به کیفیت سکونت

گویه‌های کیفیت سکونت		گویه‌های کیفیت سکونت		گویه‌های کیفیت سکونت	
Std. Mean	Error Std. Deviation	Mean	N	نوع محله	گویه‌های کیفیت سکونت
.070	.736	3.45	110	مرغه	کیفیت سکونت
.052	.660	1.92	160	غیر مرغه	
.079	.826	4.15	110	مرغه	وجود ساختمانهای مرغه
.079	.994	2.24	160	غیر مرغه	مسکونی متروک و تخریبی
.115	1.206	4.06	110	مرغه	وجود زمین و مکانهای مرغه
.086	1.082	2.34	160	غیر مرغه	متروک
.112	1.180	2.15	110	مرغه	وجود نیمکت برای مرغه
.041	.512	1.18	160	غیر مرغه	اوقات فراغت بزرگسالان

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

- غنای بصری

از چهار گویه مربوط به غنای بصری در محله مرغه سه گویه وجود ساختمان با نمای کثیف (۴.۰۵)، وجود تابلوهای کثیف و شکسته (۴.۱۱)، و وجود دیوارنویسی‌های ناهنجار (۳.۴۵) بالاتر از متوسط بوده و گویه وجود رنگ‌های آرام‌بخش و مطبوع (۲.۷۳)، کمتر از متوسط می‌باشند، در حالی که همه گویه‌های متعلق به مؤلفه غنای بصری در محله غیرمرغه پایین‌تر از حد متوسط بوده که کم‌ترین آن گویه وجود رنگ‌های آرام‌بخش و مطبوع با میانگین (۱.۷۷) می‌باشد.

جدول ۴- مشخصات آماری گویه‌های مربوط به غنای بصری

گویه‌های غنای نوع محله بصری		گویه‌های غنای نوع محله بصری		گویه‌های غنای نوع محله بصری	
Std. Mean	Error Std. Deviation	Mean	N	نوع محله	گویه‌های غنای نوع محله بصری
.067	.706	3.58	110	مرغه	غنای بصری
.049	.628	2.23	160	غیر مرغه	
.094	.985	4.05	110	مرغه	وجود ساختمان با نمای کثیف
.082	1.043	2.14	160	غیر مرغه	
.104	1.095	4.11	110	مرغه	وجود تابلوهای مرغه
.088	1.113	2.58	160	غیر مرغه	کثیف و شکسته
.115	1.209	3.45	110	مرغه	وجود دیوارنویسی‌های ناهنجار
.086	1.091	2.44	160	غیر مرغه	
.110	1.149	2.73	110	مرغه	وجود رنگ‌های آرام‌بخش و مطبوع
.067	.848	1.77	160	غیر مرغه	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

میزان تشخیص (نماد)

از میان دو گویه تشکیل دهنده میزان تشخیص (نماد)؛ خوانا بودن فرم کالبدی فضای محله با (۳.۲۰) و وجود امکان فرار هنگام خطر با (۳.۵۳) بیشتر از مقدار متوسط در محله مرفه و در محله غیرمرفه گویه وجود امکان فرار هنگام خطر با (۳.۲۲) بیشتر از مقدار متوسط و خوانا بودن فرم کالبدی فضای محله با (۲.۴۱) کم‌تر از مقدار متوسط می‌باشند.

جدول ۵- مشخصات آماری گویه‌های مربوط به میزان تشخیص (نماد)

گویش های میزان نوع محله	Mean	Std. Deviation	Std. Error	N	تشخیص (نماد)
مرفه	3.36	.815	.077	110	میزان تشخیص (نماد)
غیر مرفه	2.81	.699	.055	160	
خوانابودن فرم مرفه	3.20	1.132	.108	110	میزان تشخیص (نماد)
کالبدی فضای محله	2.41	.857	.068	160	
غیر مرفه	3.53	.864	.082	110	وجود امکان فرار مرفه
مرفه	3.22	1.160	.092	160	هنگام خطر
غیر مرفه					

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

ارزیابی کیفیت معیارها با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای

طبق جدول شماره ۵، نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در مورد معیارهای شکل‌گیری کاهش فرهنگ جرم‌زا نشان‌دهنده این است که:

در محله مرفه ۳ مؤلفه شکل‌گیری کاهش فرهنگ جرم‌زا میانگین‌های محاسبه شده در معیار کیفیت محله سکونت، غنای بصری و میزان تشخیص (نماد) به ترتیب با مقادیر (۳.۴)، (۳.۵) و (۳.۳) بالاتر از میانه نظری خود قرار دارند، همچنین سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه آلفا برابر با (۰.۰۰۰) می‌باشد، بنابراین می‌توان ادعا نمود که وضعیت این معیارها در محله مورد نظر در سطح مناسبی قرار دارد. اما در محله غیرمرفه اوضاع کاملاً برعکس محله مرفه می‌باشد. از سه مؤلفه شکل‌گیری کاهش فرهنگ جرم‌زا در محله مذکور کیفیت محله سکونت، غنای بصری و میزان تشخیص (نماد) به ترتیب با میانگین (۲.۷)، (۲.۹) و (۲.۸) از میانه نظری پایین‌تر بوده است.

جدول ۶- نتایج آزمون t تک نمونه‌ای هر یک از معیارهای پایداری محله در بافت فشرده

معیارهای	نتیجه آزمون	P- value	مقدار تی	خطای	انحراف معیار	درجه آزادی	ارزش تی (میانسه نظری)	میانگین	تعداد نمونه	نوع محله	معیارهای
کاهش فرهنگ جرم‌زا	رد	۰.۰۰۰	۶.۴۷۷	۰.۰۷۰۱۸	۰.۷۳۶۰۴	۱۰۹	۳	۳.۴۵۴۵	۱۱۰	مرفه	کیفیت محله سکونت
	تأیید	۰.۰۰۰	-۲۰.۶۵۶	۰.۰۵۲۲۵	۰.۶۶۰۸۶	۱۵۹	۳	۱.۹۲۰۸	۱۶۰	غیرمرفه	
غنای بصری	رد	۰.۰۰۰	۸.۷۰۳	۰.۰۶۷۳۸	۰.۷۰۶۶۵	۱۰۹	۳	۳.۵۸۶۴	۱۱۰	مرفه	میزان تشخیص (نماد)
	تأیید	۰.۰۰۰	-۱۵.۴۷۰	۰.۰۴۹۶۹	۰.۶۲۸۵۶	۱۵۹	۳	۲.۲۳۱۲	۱۶۰	غیرمرفه	
میزان تشخیص (نماد)	رد	۰.۰۰۰	۴.۶۷۸	۰.۰۷۷۷۴	۰.۸۱۵۳۰	۱۰۹	۳	۳.۳۶۳۶	۱۱۰	مرفه	
	تأیید	۰.۰۰۱	-۳.۲۷۹	۰.۰۵۵۲۸	۰.۶۹۹۲۵	۱۵۹	۳	۲.۸۱۸۸	۱۶۰	غیرمرفه	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

همبستگی بین مؤلفه‌ها و معیارها

مؤلفه کیفیت سکونت و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا

ضریب همبستگی پیرسون بین کیفیت سکونت و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در جدول شماره ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷- رابطه بین کیفیت سکونت و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا

ضریب همبستگی بین مؤلفه کیفیت سکونت و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله مرفه	
مؤلفه کیفیت سکونت	کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا
1	.731**
	Pearson Correlation
	.000
	Sig. (2-tailed)
110	110
	N
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).	
ضریب همبستگی بین مؤلفه کیفیت سکونت و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله غیر مرفه	
مؤلفه کیفیت سکونت	کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا
1	.594**
	Pearson Correlation
	.000
	Sig. (2-tailed)
۱۶۰	۱۶۰
	N
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر در دو محله مرفه و غیرمرفه به ترتیب برابر ۰.۷۳۱ و ۰.۵۹۴ و سطح معناداری رابطه در ناحیه آلفای ۰.۰۵ در هر دو محله برابر (۰.۰۰۰) می‌باشد. از آنجا که خطای محاسبه شده کمتر از ۰.۰۱ است. با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین مؤلفه کیفیت سکونت و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد، به عبارت دیگر هرچه مؤلفه کیفیت سکونت در دو محله مورد مطالعه ارتقاء یابد به همان نسبت کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زای بیشتری حاصل می‌شود.

مؤلفه غنای بصری و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا

ضریب همبستگی پیرسون بین غنای بصری و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در جدول شماره ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸- رابطه بین غنای بصری و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا

ضریب همبستگی بین مؤلفه غنای بصری و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله مرفه	
مؤلفه غنای بصری	کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا
1	.738**
	Pearson Correlation
	.000
	Sig. (2-tailed)
110	110
	N
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).	
ضریب همبستگی بین مؤلفه غنای بصری و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله غیر مرفه	
مؤلفه غنای بصری	کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا
1	.667**
	Pearson Correlation
	.000
	Sig. (2-tailed)
160	۱۶۰
	N
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

این دو متغیر در دو محله مرفه و غیرمرفه برابر با ۰.۷۳۸ و ۰.۶۶۷ و سطح معناداری رابطه در ناحیه آلفای ۰.۰۵ در هر دو محله برابر (۰.۰۰۰) می‌باشد. از آنجا که خطای محاسبه شده کمتر از ۰.۰۱ است. با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین مؤلفه غنای بصری و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد، به عبارت

دیگر هر چه مؤلفه غنای بصری در دو محله مورد مطالعه ارتقاء یابد به همان نسبت کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زای بیشتری حاصل می‌شود.

مؤلفه میزان تشخیص (نماد) و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا

در جدول شماره ۹ ضریب همبستگی پیرسون بین دو مؤلفه میزان تشخیص (نماد) و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا آورده شده است.

جدول ۹- رابطه بین میزان تشخیص (نماد) و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا

ضریب همبستگی بین مؤلفه میزان تشخیص (نماد) و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله مرفه			
مؤلفه میزان تشخیص (نماد)	کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا	Pearson Correlation	
1	.550**		
	.000	Sig. (2-tailed)	
110	110	N	
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).			
ضریب همبستگی بین مؤلفه غنای بصری و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله غیر مرفه			
مؤلفه میزان تشخیص (نماد)	کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا	Pearson Correlation	
1	.005		
	.949	Sig. (2-tailed)	
160	۱۶۰	N	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر در محله مرفه برابر ۰.۵۵۰ و سطح معناداری رابطه در ناحیه آلفای ۰.۰۵ برابر (۰.۰۰۰) می‌باشد. از آنجا که خطای محاسبه شده کمتر از ۰.۰۱ است. با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین مؤلفه میزان تشخیص (نماد) و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد، به عبارت دیگر هر چه مؤلفه میزان تشخیص (نماد) در محله مرفه ارتقاء یابد به همان نسبت کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زای بیشتری حاصل می‌شود. ولی در محله غیرمرفه رابطه معناداری (۰.۹۴۹) بین دو متغیر میزان تشخیص (نماد) و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا وجود ندارد.

نظر به این که مقاله موجود به بررسی وضع موجود از نقطه نظر ارتکاب جرم و جنایت در شهر بابلسر و جلوگیری از فرهنگ جرم‌زا پرداخته است و با بررسی داده‌های جمع‌آوری شده از نمونه موردی، طبق تحلیل این نتیجه حاصل شده که میزان جرم‌خیزی در محلات شهر بابلسر به معیارهای کالبدی مورد پژوهش بستگی داشته که تبلور این نظریه از طریق تأمین کیفیت سکونت و مؤلفه غنای بصری و میزان تشخیص (نماد) در جامعه شهری بابلسر شدنی و ممکن می‌باشد و با توجه به این که این پژوهش در دو سطح طبقاتی مرفه و غیرمرفه جامعه تحقیق، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت، راهکارهای متفاوتی نیز به کار برده می‌شود که از نظایر آن‌ها می‌توان به فرهنگ سازی و تقویت زمینه‌های فرهنگی ساکنان محلات اشاره نمود.

نتیجه‌گیری

مبارزه با جرم و کجروی‌های اجتماعی منوط به شناخت عوامل جرم‌زاست که می‌توان از بروز جرائم پیشگیری کرد یا حداقل از میزان آن کاست. از طرفی با گسترش شهرنشینی و افزایش رفتارهای ناهنجار شهری به ویژه جرائم، موضوع پیشگیری محیطی جرائم، از طریق برنامه‌ریزی و طراحی محیطی اهمیت زیادی یافته است. به نظر اسکار نیومن برای خلق فضاهای قابل دفاع باید هر فضایی متولی داشته باشد (حشمتی، ۱۳۸۲: ۴۴). فضاهایی با کاربری

تعریف نشده (بدون کارکرد) به علت نداشتن کارکرد و بی‌استفاده ماندن به فضاهایی مرده بدل می‌شوند و با از دست دادن هویت خود زمینه پذیرش آسیب را در خود به صورت بالقوه به وجود می‌آورند. لذا نتایج این پژوهش در مورد مؤلفه کیفیت سکونت، از نظر اسکار نیومن در هر دو محله مرفه (۰.۷۳۱) و غیرمرفه (۰.۵۹۴) حمایت می‌کند. بنابراین فضای دارای متولی باعث کاهش آسیب‌پذیری در محلات و ایجاد فضای مناسب و پایدار جهت سکونت مؤثر است.

ترانسیک می‌گوید آن بخش از فضاهای شهری که واحد تناسبات بصری مطلوبی هستند و به عبارت دیگر در آن اغتشاش بصری کمتری وجود دارد، نسبت به سایر فضاها احتمالاً کمتر با اغتشاش‌های رفتاری (رفتارهای نابهنجار و آنومیک) عجین می‌شوند (Trancik, 1986: 225). اغتشاش بصری در شکل شهر می‌تواند از طریق احساسی و ادراکی بر روی رفتارهای اجتماعی انعکاس یافته و اغتشاش رفتاری (ناهنجاری رفتاری و یا رفتار آنومیک) را در فضای شهری توجیه نماید. (بحرینی، ۱۳۷۷: ۵۸). لذا نتایج این تحقیق در مورد مؤلفه غنای بصری، از نظرات ترانسیک و بحرینی در هر دو محله مرفه (۰.۷۳۸) و غیرمرفه (۰.۶۶۷) حمایت می‌کند. بنابراین می‌توان بیان کرد وجود تناسبات بصری مطلوب در فضاهای شهری بر کاهش اغتشاش رفتاری تأثیرگذار است.

نتایج مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات حاکی از آن است که غالباً افرادی که به دلایل مختلف در شهر احساس گم‌گشتگی کنند و در تشخیص موقعیت و مسیر خود با مشکل مواجه شوند، از نظر بزه‌کاران طعمه‌های خوبی محسوب می‌شوند (بحرینی، ۱۳۷۷: ۲۳۴). «تصویری واضح از محیط، به شخص نوعی احساس امنیت می‌دهد.» (لینچ، ۱۳۷۲: ۲۲۸). در نتیجه مؤلفه میزان تشخیص (نماد) در محله مرفه (۰.۵۵۰) از نظرات لینچ و بحرینی حمایت می‌کند ولی در محله غیرمرفه نظریه آنها تأیید نمی‌شود. این نتایج نشان‌دهنده این امر است که در محله‌های غیرمرفه افراد تشخیص خوبی از نماد در محله خود ندارند.

پیشنهادات و راهبردها

با توجه به تحلیل یافته‌ها و آزمون فرضیات و نتایج حاصل و به منظور کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محلات مرفه و غیرمرفه و ایجاد فضای امن شهری در کل شهر بابلسر، پیشنهادهای در جهت کنترل و مقابله با شکل‌گیری فرهنگ جرم و جنایت در فضاهای شهری تهیه شده است.

- بهسازی ساخت و سازهای کالبدی و نورپردازی معابر و کوچه‌های محله‌های غیرمرفه شهر بابلسر.
- تغییر در طراحی فضاهای گم و فاقد دید بصری به خصوص در محلات غیرمرفه بابلسر (بی‌بی‌سرروزه و قائمیه).
- افزایش مراکز پلیسی و امنیتی در محلات بابلسر، که کنترل مناسب را در محلات افزایش دهد.
- تخصیص و ساماندهی سرانه‌های تأسیساتی، تجهیزاتی و فراهم کردن خدمات مورد نیاز شهروندان بابلسر و برقراری تعادل و برابری در استفاده و بهره‌برداری از خدمات شهری بین محله‌های مرفه و غیرمرفه بابلسر.
- همراهِ سازی اقشار مختل جامعه در غالب مشارکت در امر پیشگیری و تأمین امنیت اجتماعی در مقابل جرائم بسیار مفید و مؤثر است.

منابع

امیر یاراحمدی، محمود (۱۳۷۸)، به سوی شهرسازی انسان‌گرا، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

- بیات، بهرام، (۱۳۸۷)، تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی، استادان راهنما: مهدی ادیبی، رسول ربانی، رساله مقطع دکتری، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم و ادبیات انسانی، گروه جامعه‌شناسی.
- بحرینی، سید حسین (۱۳۷۷). فرایند طراحی شهری، دانشگاه تهران، تهران.
- حاتمی‌نژاد، حسین. مهدی، علی. مهدیان بهنمیری، معصومه. (۱۳۹۳). نگرشی بر جرم‌خیزی و زمینه‌های ارتکاب به جرم در محلات حاشیه‌نشین مورد پژوهش؛ محله شادقلی خان شهر قم، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره اول، شماره پیاپی ۱۱۲.
- حشمتی، محمد (۱۳۸۲)، فضای قابل دفاع-استراتژی طراحی شهری جهت پیشگیری و کاهش جرائم، تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۹۹۸)، فرهنگ لغت، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، دوره جدید، جلد دوم
- دیکنز، پیتر (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه دکتر حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- روزبنام، لوریجیو، ویولیس (۱۳۷۹)، پیشگیری از جرم و ساختار محیط، ترجمه رضا پرویزی، ماهنامه امنیت، سال چهارم، شماره یازدهم و دوازدهم، حوزه معاونت امنیت و انتظامی وزارت کشور.
- رحمت، محمدرضا (۱۳۸۸)، رساله دکتری در رابطه با جرم و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات، مدیریت پیشگیری از جرم در طراحی شهری.
- روشه، گی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات تبیان.
- ساروخانی، باقر. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵)، امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۲.
- سریرافاز، محمد. مکیان، سمیه سادات. فهیم‌فر، فاطمه (۱۳۸۸)، پیشگیری از جرم: زیرساخت امنیتی در جامعه، مجموعه مقالات کنفرانس‌های جامعه ایمن، تهران
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۴). فرهنگ علوم رفتاری، انتشارات سپهر، تهران.
- صانعی، پرویز، (۱۹۹۳)، قانون کیفری عمومی، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ دوم، یک دوره.
- عامری سیاهویی، حمیدرضا. رستم گورانی، ابراهیم. (۱۳۸۹)، رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر میزان جرم در بندرعباس و نقش مدیران شهری و پلیس انتظامی در پیشگیری از آن، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره اول.
- عبداللهی‌حقی، مریم (۱۳۸۳)؛ پیشگیری از جرم از طریق برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری مورد تحقیق سرقت در شهر زنجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.
- قلندریان، ایمان. سنگتراش، نیلوفر. محمدزاده، اکرم. (۱۳۹۰)، بررسی ملاحظات محیطی با رویکرد CPTED به منظور دستیابی به فضای شهری امن نمونه مورد بررسی خیابان فردوسی مشهد، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی
- فورچی بیگی، مجید (۱۳۸۶)، راهبردهای کاربردی نظریه CPTED برای پیشگیری از جرم در مناطق مسکونی، مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵.
- کارگر، بهمن (۱۳۸۵). امنیت شهری، مجله سپهر، شماره ۵۷.
- کی نیا، مهدی (۱۳۷۳)، مبانی جرم‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم.
- لینچ، کوین (۱۳۷۲)، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، محل نشر: انتشارات دانشگاه تهران.
- مساواتی آذر، مجید (۱۳۷۴)، آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات)، تبریز، انتشارات نوبل.
- ملازاده گنجی، جاوید (۱۳۹۲)، مطالعه ویژگی‌های محله در پیشگیری از جرم شهری، دانشگاه مازندران، استاد، استاد راهنما: صدیقه لطفی.
- Cozens, P.M., Saville, G., Hillier D., (2005), Crime Prevention Through Environmental Design, Property Management, Vol. 23, No.15.
- Power, A. (2000). Social Exclusion. Royal society of Arts Journal, Number 5493:pp46-51
- Trancik, Roger (1986), Finding lost space, Van Nostrand Reinhold company, New York.